

حضرت عبدالبهاء می فرمایند: " اصاغر باید رعایت و احترام اکابر کنند و اکابر باید مهربانی در حق اصاغر نمایند .
جوانان باید خدمت پیران نمایند و پیران باید محافظت و رعایت جوانان کنند . این حقوق متبادله است " .

امر و خلق ج ۳ ص ۶۸

عنوان: " کمک به سالمندان "

قسمت روحانی

۱. مناجات (به انتخاب جمع)
۲. لوح مبارک حضرت عبدالبهاء (پیشنهادی)

قسمت اداری

۳. سالخوردگان و ما
۴. وقتی حرمت بزرگترها نادیده انگاشته می شود
۵. حکایت
۶. شور و مشورت و پیشنهاد

قسمت اجتماعی

۷. برنامه نوگلان بوستان الهی
۸. تنفس و پذیرائی
۹. مناجات خاتمه (به انتخاب جمع)

۲. لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

هو الله

ای امه الله اگر بدانی این خطاب چه قدر مبارک است ، البته پیری را فراموش نمائی و خود را در نهایت قوّت و طراوت و لطافت جوانی مشاهده نمائی ؛ زیرا در درگاه الهی حکم به ارواح است نه اجساد . چون جان جوان و تر و تازه شد ، غبطه حوریّات جنان گردد ؛ ولو تن از بقایای سفینه نوح باشد . ع ع

مکاتیب ج ۷ ص ۲۹

۵. حکایت

در کتاب کوچکی با عنوان " میلی " در مورد زندگی ایادی امرالله امیلیا کالینز ، جناب فیضی محبت عمیقی را که حضرت ولی امرالله به میلی داشتند و محبت خالصانه او به هیکل مبارک را شرح می دهند . بعد از صعود حضرت ولی امرالله میلی دلشکسته شد ، اما در کمال استقامت آن را تحمل کرد . جناب فیضی به یاد می آورند که چگونه میلی ، روحیه خانم و ایشان در دفتر ایادی امرالله می نشستند و از ایام حضرت ولی محبوب امرالله یاد می کردند . جناب فیضی می نویسند:

در احیان احاطه احزان و غموم ، میلی غالباً تکرار می کرد : چرا ؟ چرا ؟ و وقتی یک روز از او پرسیدیم که مقصودش از این سؤال چیست ؟ او گفت : چرا من زنده ام ؟ من مریض و ضعیفم و قادر به سفر و تبلیغ نیستم . این زندگی من چه فایده ای دارد ؟ این گفتگو در یک روز زمستانی در دفتر ایادی امرالله که بخاری نفتی کوچکی در آن روشن بود ، صورت گرفت . من به او گفتم : میلی عزیز ، هوا خیلی سرد نیست ؟

جواب داد : چرا . گفتم : چگونه می توانیم راحت و آسوده در این جا بنشینیم ، جلسه بگیریم ، نامه های رسیده را بخوانیم ، برای عالم بهائی پیام بفرستیم ؟ به این علت که این بخاری کوچک هنوز روشن است و گرمای بخشد . این بخاری هیچ نمی گوید ؛ آیا صحبتی می کند ؟ آیا سفر می کند ؟ هرگز ؛ مادام که نفت دارد می سوزد و در نهایت سخاوت به ما گرما می دهد و در این حرارت است که ما کار می کنیم . این در مورد راحتی جسمانی ما مصداق دارد ؛ حال چه قدر نیاز ما به حرارات روحانی بیشتر است که به ما قوت و نیرو ببخشد که تا سال ۱۹۶۳ کار را ادامه دهیم و بار را به مقصد برسانیم . آن موقع همه چیز را به دست معهد اعلی می سپاریم . حال عزیز من ، تو همان بخاری روحانی هستی می سوزی و ما صحبت می کنیم ، می نویسیم و سفر می کنیم .

فاتح دلها ص ۳۱۱ و ۳۱۲

۴. وقتی حرمت بزرگترها نادیده انگاشته می شود

وقتی حرمت والدین و اکابر جامعه نادیده انگاشته می شود، تفاهم و درک متقابل بین نسلهای ضعیف می گردد، محبت رنگ می بازد، در جامعه شکاف ایجاد می شود و وحدت جامعه در خطر می افتد، جامعه از حاصل تجربیاتی ذی قیمت بی نصیب می ماند، احساس بی حاصلی و کم قدری به سالمندان یعنی به گروه کثیری از جامعه تلقین می گردد، ادب رنگ می بازد، عواطف زیبا از درخشش باز می ماند، تعادل جامعه به هم می خورد، آرامش و وقار از جامعه رخت بر می بندد، خشونت گسترش می یابد، اعتیادات مضرّ ازدیاد می یابد، جامعه از رضای پروردگار دور می شود، تأییدات الهیه سلب می گردد، خیر و برکت از جامعه رو بر می گرداند و بالاخره تعالی روحانی فرد و جامعه کند و تدنّی معنوی و اخلاقی آغاز می گردد.

برگرفته از برنامه احتفال حیات عائله اردیبهشت ۸۱

۳. سالخوردگان و ما

سالخوردگان حیات و جوانی خود را فدای رشد و بالندگی نسل پس از خود نموده اند. جامعه از قدمای خود درس اراده، شهامت، شجاعت، تحمل و بردباری آموخته است. متقدمین جامعه، ایمان و تقوی و راستی و درستکاری را به ما تعلیم و رموز موفقیت را که امروزه به آن غرّه شده ایم به ما یاد داده اند. والدین ما هستی و حیات و جوانی خود را فدای تربیت و تعلیم ما نموده، در راه انجام این وظیفه مقدّس از هیچ گونه فداکاری کوتاهی نکرده اند. آنان سالها به سائقه عشق و محبت حقیقی، جمیع قوا و استعدادات خود را فدای رشد و ترقی اولاد نموده، آنچه در قوه داشته اند برای رفاه و آسایش ما انجام داده اند و جهت حفظ و حمایت ما از آفات و امراض جسمانی و حوادث امکانی خود را بارها به خطر انداخته اند. ما موهبت گرانبهای وجود خود را به واسطه آنان دریافت داشته ایم. ما در دامان پر عطوفت این پدر و مادر از مراحل سخت و دشوار کودکی عبور کرده ایم و به بلوغ رسیده ایم. مهمتر از همه ما ایمان خود به حضرت بهاءالله و حیات روحانی و معنوی خویش را از آنان داریم. باید از خود پرسیم جواب این همه محبت، این همه گذشت و ایثار، این همه تلاش و زحمت را چگونه باید بدهیم؟

برگرفته از برنامه احتفال حیات عائله اردیبهشت ۸۱